

دربوش مهرجویی؛

کارگردانی که فلسفه را به جان سینما انداخت...

نخستین سالگرد فقدان دربوش مهرجویی در سینمای ایران است. کارگردانی که با ۲۳ فیلم، جهان منظم سینمایی خود را با بین‌مایه‌ای فلسفی، به ساخت جامعه و دوستداران خود تزریق کرد و در این مسیر، با مواجهه قهرمان و مصائب زندگی روزانه، به یک آسیب‌شناسی شگرفی رسید که سبب شد تا جایگاه وی به‌عنوان کارگردانی تراز اول در تاریخ سینمای ایران ماندگار شود.



در عین دارا بسودن بزرگ‌ترین اختیار آدمی‌زادی که همان تفکر است، می‌تواند دچار احساسات یا طنازی‌هایی شود که این شرایط برای او گاه اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین سه عنصر تفکر به عنوان شالوده‌دنیای انسانی (بدون قضاوت در مورد نحوه تفکر و مختصات خاص سگالش او)، احساس و طنازی، به شالوده تمام آثار مهرجویی تبدیل شد. در دوره اول فیلمسازی مهرجویی، قهرمان از دل خود مردم است. همان سادگی‌ها را دارد و تفاوت، تنها در

و حتی پس از آن و در اواخر دهه ۶۰، با فیلم هامون، توانست مبتنی بر اقتضات روز و تغییراتی که در هندسه اجتماعی کشور رخ داده بود، خط‌دهی جدیدی داشته باشد. بر سینمای تازه به راه افتاده روشنفکری ایران. اگرچه در اواخر دهه چهل، فیلمسازی چون مسعود کیمیایی، فریدون رهنما، فرخ غفاری، ابراهیم گلستان و در ادامه اینها، سهراب شهیدثالث، بهمین فرمان آرا فریدون گله در اعتراض به وضعیت پسااستعماری و دوران فترت سر‌مایه‌داری و رشد

قهرمان دنیای فیلمسازی مهرجویی، در برادرزاده سادگی‌هایی است که به نوعی نگاه تک‌بعدی در زندگی را نفی کرده و به انسان به‌عنوان حیوان متفکر (تعبیر ارسطو) اجازه اندیشیدن می‌دهد. حیوان متفکری که در عین دارا بسودن بزرگ‌ترین اختیار آدمی‌زادی که همان تفکر است، می‌تواند دچار احساسات یا طنازی‌هایی شود که این شرایط برای او گاه اجتناب‌ناپذیر است.

اندیشه‌های چپ و انتقادی در ایران، شروع به ساخت آثاری برخلاف جریان مرسوم آن زمان کردند اما در میان تمام این کارگردانان، تنها دربوش مهرجویی بود که به نفی صدرصدی جریان فیلمسازی مرسوم آن زمان پرداخت. عمده کارگردانان منتسب به این موج تنها توانستند فیلم‌نامه‌های قوام‌یافته‌تری در مقایسه با فیلم‌فارسی‌های آن زمان بسازند. درست مانند مسعود کیمیایی که با قیصر در شکل‌گیری فضای جدید کمک کرد اما در واقع قیصر، جریان قوام‌یافته‌تر شده زندگی را نفی کرده و به انسان به عنوان حیوان متفکر (تعبیر ارسطو) اجازه اندیشیدن می‌دهد. حیوان متفکری که

مجتبی اردشیری منتقد سینما
گروه فرهنگ و هنر - دربوش مهرجویی در زمانی ظهور کرد که سینمای ایران، الفبای فیلمسازی را مشتق می‌کرده؛ تولیدات سینمایی کشور، بر مبنای یک اسلوب مرسوم و همیشگی، نوسان چندانی نداشت و مخاطب هم به تماشای این حرکت تک‌بعدی، عادت کرده بود. در همان سال‌هایی که سینمای ایران دوران گذار از سینمای فیلم‌فارسی را تجربه می‌کرد، مهرجویی در آمریکا، مشغول تحصیل فلسفه بود. این انتخاب آگاهانه، تأثیر شگرفی بر شکل‌گیری دنیای سینمایی او داشت؛ برای کارگردانی که یک بال او، خلاقیت‌های نامتناهی فردی بود، کنه‌نگری فلسفه‌می‌توانست در حکم بال دوم، عمق بیشتری به محتوا و ساختار سینمایی بدهد؛ همینطور هم شد و این ۲۱ سال، از مهرجویی، کارگردانی ماندگار در تاریخ سینمای ایران پدید آورد.

بر مبنای چنین مختصاتی، کارنامه سینمایی مهرجویی، از ۴ مقطع متناوب تشکیل شده است: از «گاو» تا «هامون»، از «بانو» تا «همان مامان» از «ستوری» تا «آسمان محبوب» و از «نارنجی‌پوش» تا «لامینور». شاکله فیلمسازی مهرجویی در هر یک از این مقاطع مختلف، تابع پارامترهای بسیاری بوده است که عیار نویسندگی و کارگردانی وی را نسبت به دوره‌های پیشین او تعیین می‌کرد اما نتایج تسبیح تمامی این مقاطع، تلاش مستمر مهرجویی در پرورسه قهرمان‌پوری است. مهرجویی، نخستین کارگردانی است که مولد جریان روشنفکری در عصر هجوم القای بیان فیلم‌فارسی بود

پژمان جمشیدی همبازی ساره بیات می‌شود

گروه فرهنگ و هنر - سریال «محکوم» به تهیه‌کنندگی «محمدرضا منصوری» و کارگردانی «سیامک مردانه» به زودی برای پخش به نمایش خانگی می‌آید. محکوم به نویسندگی مهران مهدویان قصه‌ای اجتماعی دارد و به زودی برای پخش از شبکه نمایش خانگی آماده می‌شود. در این سریال بازیگرانی چون، ساره بیات، پژمان جمشیدی، کوروش نهامی، الهام کردا و با حضور سیامک انصاری، اسماعیل محرابی و رامین پرچمی ایفای نقش می‌کنند. منصوری که پیش از این، سریال‌های سقوط و حیثیت گم‌شده را با طراحی و مشاوره محمدحسین مهدویان و میدان دادن به کارگردان‌های جوان در نمایش خانگی تولید و منتشر کرده بود، قرار است با محکوم دیگر بار به این فضا بازگردد.

مقولات سنتی زندگی خود مطرح می‌شود؛ همان اصلی که دکارت در تاملات خود به آن اشاره می‌کند که البته موضوع فوق‌العاده سنگینی در فلسفه غرب محسوب می‌شود. در این باره مهرجویی تا حدودی ایرانی‌زمی‌کنند. این فیلم توانست به شکلی آرمانی، با ذات‌نقشه مخاطب ایرانی ارتباط برقرار کند تا دوره چهارم فعالیت مهرجویی با ۳ فیلمی آغاز شود که مردم نتوانند به مانند فیلم‌های سه دوره قبلی با آنها ارتباط بگیرند. «اشباح» و «لامینور» دیگر فیلم‌هایی با این حسال و هوا بودند که کارنامه مهرجویی را تکمیل می‌کنند. ۲۳ فیلم بلند سینمایی که مهرجویی از خود به یادگار گذاشت، همان جهان منظم دهنی اوست که وی بنا به مقتضیات دوره‌های تاریخی مختلف، نسبت به ساخت آنها اقدام کرده؛ آثاری که بین‌مایه‌ها و تحریرهای فلسفی در تمام آنها با زندگی‌های روز عین شده و فیلمساز از این مسیر، دست به یک آسیب‌شناسی اجتماعی زده است. سینمای مهرجویی با سبک منحصر به فرد خود، فی‌نفسه قهرمان‌پرو است. نوشته‌های طولانی که جزئی‌ترین حالات درونی و بیرونی قهرمان خود را مورد کاوش قرار می‌دهند و این کاوش‌ها، نمی‌خواهند به عنوان نسخه‌ای برای مخاطب مطرح باشند بلکه تأثیر و اثرات خود را ناگهانی و بدون اینکه خود بخواهیم، بر ما مستولی می‌کنند. این ویژگی، از آن سینمای مهرجویی است که سبب شده مخاطبان بسیاری، تا مغز استخوان، به آثار او تعلق خاطر پیدا کنند.

به یاد بیاوریم چه زمان دیگری بود که یک کارگردان، تنها این اندازه، وارد محاورات مردمی شده بود. مهرجویی با همان حرکت خزنه توانست در طول سال‌ها، این چنین در زندگی مردم رخنه کند و این طور محبوب بماند؛ آن‌هم تا همیشه، تا زمانی که سینمای ایران وجود دادند و هر یک توانستند درگیری‌های روزمره زنان جامعه و روشنفکری دهه هفتاد ایران را با شرایط آن زمان مطرح کرده و به نوعی الگو‌ساز باشند؛ این الگو‌سازی‌ها سبب شد تا کارگردانان بسیاری در اواخر دهه هفتاد به این مثنی عمل کرده و فیلم‌های درخور توجهی بسازند. فیلم‌های بعدی کارگردان در این دوره نظیر میکس، بمانی و... نیز بر این مدار چرخیدند. در این دوره، شاهد طغیان احساس بر دواصل تفکر و طنازی هستیم. اما همان‌چنان مهرجویی تنها بخش کوچکی از جامعه ایرانی را می‌بیند. دوره سوم فعالیت سینمایی مهرجویی، مانور گسترده‌ای بر روی طنازی و احساس دارد. مهمان مامان و ستوری، دو فیلمی بودند که در عین مطرح کردن برخی آسیب‌های اجتماعی، رگه‌های واضحی از طنازی‌های قهرمانانش را نیز به همراه دارند. حتی در کاراکتری چون علی ستوری با آن وضع بحرانی نیز می‌توان رگه‌های این طنازی را در دیالوگ‌ها و حتی برخی کنش‌های مایخولیایی وی به عینه مشاهده کرد. در دوره چهارم فعالیت مهرجویی، این تفکر است که بر دو اصل طنازی و احساس می‌چربد. مهرجویی به آسمان محبوب و قهرمان خاصش، نگاه عارفانه‌ای دارد که مشکلات مطرح‌شده در آن بر مبنای اصل تفکر و در فضاسازی‌های مختلفی می‌شود. در نارنجی‌پوش به مانند گاو، دغدغه تفکر جدید در عصر معاصر مطرح می‌شود و همان فرساز از نگاه تک‌بعدی، این بار فرار از نگاه کلیشه‌ای زندگی انسان هزاره سوم مبنای فیلم قرار می‌گیرد. در چه خوبه که برگشتی اگر چه مهرجویی، کم‌دی‌ترین فیلم کارنامه ۴۵ ساله خود را ساخت اما پشت پرده تمام آن شوخ‌وشنگ‌بازی‌ها و پر تراب برتقال‌ها و هوا کردن آن سفینه موهوم، نگاه متجددانه انسان هزاره سوم به



آغاز اکران «نبودنت» از چهارشنبه در سینماها

به نام مرضیه است که چندسالی در انتظار همسرش است، ولی همسرش توان بازگشت به خانه را ندارد. سحر دولتشاهی، آزاده سمدی، امیر آقایی، فرید سجادی حسینی، رضا بهبودی، علیرضا ثانی فر، شیوا سرمست، سینا رازقی، سپهر مهربخش بازیگران این فیلم سینمایی هستند. عوامل «نبودنت» عبارتند از فیلمنامه نویسان: صادق خوشحال، فرهاد دلارام و کاوه سجادی حسینی، بر اساس طرحی از صادق خوشحال، مجری طرح: مهدی سهرابی، مدیر فیلمبرداری: علیرضا برازنده، تدوین: عماد خدابخش، موسیقی: کاوه اسحاق صدانگداری و میکس: ایرج شهزادی و نغم مسیحیان، مدیر صدابرداری: دریوش صادق‌پور، طراح صحنه: مرتضی فرید، طراح لباس: شمیم‌امیرحمیدی، طراح گریم: ایمان امیدواری، برنامه ریز و دستیار اول کارگردان: هانیه بساتیانی، مدیران تولید: علی ساداتیان و علیرضا شایسته، تصحیح‌نور و رنگ: نیما دبیرزاده، جلوه‌های میدانی: آرش آقاییگ، عکاس: نوید سجادی حسینی، سرمایه‌گذار: سعید مهربخش. نسیم صبا فیلم پخش این فیلم سینمایی را به عهده دارد.

گروه فرهنگ و هنر - فیلم سینمایی «نبودنت» به کارگردانی کاوه سجادی حسینی از چهارشنبه ۲۵ مهر به سینماهای می‌آید. فیلم سینمایی «نبودنت» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی کاوه سجادی حسینی از چهارشنبه ۲۵ مهر در سینماهای سراسر کشور اکرانش را آغاز می‌کند. «نبودنت» روایت زنی

جشن روز جهانی کودک در جزیره کیش

عکس: فاطمه یاقوتی

۴۴۴۲۴۹۶۹

اقتصاد کیش

۴۴۴۲۴۹۹۹

پر تیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش

گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش

روزنامه